

# تقی زاده از نگاه مصدق

(دنباله شماره پیش)

در شماره پیش قسمتی از سخنان مصدق درباره تقی زاده که در حاشیه دفاع تقی زاده در قبال حملات مصدق چاپ شده بود بهنگام چاپ ناقص ماند (صفحه ۲۵۳) و در غلطگیری توجه به ناتمام بودن مطلب نشد. اینک دنباله انتقادات مصدق بر تقی زاده را نقل می کنیم.

مصدق وقتی که موضوع شکایت ایران از شوروی در سازمان ملل در مجلس مورد مذاکره بود به اقدامات دولت حکیم الملک و تقی زاده که از طرف دولت بعنوان نماینده ایران در طرح آن شکایت انتخاب شده بود. معترض بود و در باب صلاحیت تقی زاده مطالب مذکور در زیر را بیان داشت.

در جلسه فوق العاده ۱۹ دی ۱۳۳۴

... یکی از نمایندگان در مجلس اظهار نمود که باید تعقیب جزائی شود (یکی از اسناداران وقت) ولی آقای تقی زاده که امتیاز داری را سی و دو سال تمدید نمود و یک میلیار دوشست میلیون تومان ضرر به ملت ایران وارد کرد. امروز سیاست دولت دست اوست و در سازمان ملل متفق رأس نمایندگان ایران واقع شده است و سهیلی را هم که پنج اعلام جرم در این مجلس بر علیه او داده شد می خواهد وارد هیئت نمایندگی ایران کند و با یک تیر دو نشان بزند. یکی اینکه یک هم فکر بیشتر پیدا کند و دیگر اینکه هم فکر متهم خود را طیب و طاهر نماید. این است که عرض می کنم رحمة الله علی نباش الا اول (ص ۲۲۶ جلد اول سیاست موازنه منفی).

در جلسه ۲۳ بهمن ۱۳۳۴

من از لحاظ روابط شخصی و سابقه دو دوره همکاری نزدیک در مجلس به آقای تقی زاده ارادت دارم و از لحاظ اینکه ایشان اهل علم و ادب هستند بایشان احترام می کنم. اما پای مصالح مملکت که به میان می آید نمیتوانم حقایق را فراموش کنم.

آقای تقی زاده از ابتدای مشروطیت تا کنون وارد در هر معرکه ای شده اند تحت تأثیر عوامل خارجی بوده اند.

توسل و تحسن ایشان در انقلاب مشروطیت بیک سفارتخانه ای که در آن روزگار مصلحت سیاسی خود را در آن میدید که از مشروطه طلبان حمایت و با محمدعلیشاه قاجار پادشاهی که موازنه را فراموش کرده بود مخالفت بکنند، کسی فراموش نکرده است و شاه هم بر اثر همین خبط سیاسی تاج و تخت خود را بیاد داد.

آقای تقی زاده در مجلس پنجم تغییر سلطنت را خلاف قانون اساسی اعلام کرد ولی پس از انقضاء مجلس ششم که دولت در انتخابات طهران مداخله نمود و انتخاب نشد طوق بندگی همان سلطنتی را که خلاف قانون اساسی میدانست بگردن نهاد. به ما موریت های استناداری، سفارت و وزارت مفتخر گردید و از لوابیح مالی آن دستگاه که در موقع نمایندگی مورد مخالفت او بود و در موقع وزارتش با تعصب دفاع میکرد.

وقتی که وزیر مایه بود و اعلامیه دائر بالفای امنیت نفت جنوب را منتشر کرد بخاطر دارم روزی مرحوم شیرالدوله بدین من آمدند و صحبت از الغای آن امتیاز بمیان آمد. از عمل آقای تقی زاده انتقاد مینمودند و نظرشان این بود که الغای امتیاز قانوناً صحیح نبوده و مخالفت با دولت

انگلیس صلاح مملکت نیست، ولی چندی بعد که امتیاز جدید بامضای آقای تقی‌زاده رسید روزی من به منزل مرحوم مشیرالدوله رفته بودم دیدم ایشان از تمدید مدت امتیاز بسیار ناراضی بودند و با اینکه تا آن تاریخ اغلب از آقای تقی‌زاده دفاع می‌کردند تمدید امتیاز سبب شده بود که آن مرحوم سلب عقیده کنند و میگفتند با امتیاز داری که ما فقط صدی شانزده از عایدات نفت را حق داشتیم یک میلیون لیره در سال بمانرسیدو بعد از انقضای امتیاز تمام عایدات یعنی صد درصد مال ایران میشد و آن روز که حساب کردیم باین نتیجه رسیدیم که در اثر تمدید سی و دو سال یکصد و شصت میلیون لیره بمملکت ضرر رسیده است و مرحوم مشیرالدوله با کمال تأسف میفرمود گمان نمیکنیم هیچکس حاضر باشد این اندازه ضرر بوطن خود بزند

\*\*\*

روز چهارم مهر ۱۳۳۵ مصدق به مجلس رفت که گزارشی دربارهٔ منحصمین خارجی شرکت سابق نفت به آنجا بدهد ولی عده‌ای از نمایندگان از حضور در جلسه خودداری کردند. در نتیجه مصدق به میدان بهارستان آمد و در میان مردم نطق مشهور خود را بیان کرد. چون درین سخنرانی هم اشاره‌ای به تقی‌زاده شده است آن قسمت را نقل می‌کنیم:

«شنیدم سه روز قبل سفیر کبیر انگلیس به دیدن جناب آقای تقی‌زاده رئیس مجلس سنارفته‌اند و گفته‌اند چه شده است که در مجلس شورای ملی اقلیت تشکیل شده که با دولت مخالفت می‌کند ولی در سنا چنین اقلیتی تشکیل نشده است. ما به شما می‌گوئیم که تا دولت دکتر مصدق به روی کار است با ایران داخل مذاکره نمی‌شویم. جوابی که مقتضی بود راجع به عدم دخالت یک دولت خارجی در امور داخلی ایران جناب آقای تقی‌زاده به این سفیر محترم انگلیس داده‌است.» (صفحه ۶۲، ده گزارش از دکتر محمد مصدق به دولت و مجلس، تهران، انتشارات زبرجد).

\*\*\*

### پخته‌خواری و سخن‌دزدی

چون شهرت داشت که محمدقلی سلیم‌طرشتی (شاعر قرن یازدهم) معانی و مضامین دیگران را در سخن خود می‌آورد «وارسته» دربارهٔ او گفت:

دخلی که نکردی به کلام‌الله است  
بیتی که نبرده‌ای تو بیت‌الله است

اما سلیم در دیوان همین شکوه را از دیگران دارد و می‌سراید:

دیوان خود به دست خریقان مده سلیم  
غافل مشو که غارت باغ تو می‌کنند

\*\*\*

دیوان کیست از سخنانم تهی سلیم  
تنها نه برخ این ستم از دست صائب است

\*\*\*

غلامعلی آزاد بلگرامی در تذکرهٔ سرو آزاد رأی سعدالدین تفتازانی را از روی «مطلوب» چنین آورده است:

«حکم سرقت وقتی کرده می‌شود که اخذ ثانی از اول یقین باشد و الاحکام سرقت مترتب نمی‌تواند شد و از قبیل توارد خواهد بود. در صورتی که اخذ ثانی از اول معلوم نباشد باید گفت که فلان شاعر چنین گفته است و دیگری سبقت برده چنین یافته و به این حسن تعبیر مغتنم داند فضیلت صدق را و محفوظ دارد خود را از دعوی علم به غیب و نسبت نقص به غیر.»

(سرو آزاد، صفحه ۶۹)

# دو عکس دیدنی و تاریخی

-۱-

## معلمان و دیپلمه‌های دوره اول و دوم دارالمعلمین عالی (۱۳۵۳ ش)

ردیف اول نشسته از راست به چپ مرحومان عباس اقبال - دکتر ابوالقاسم بهرامی - میرزا عبدالعظیم خان قریب - میرزا غلامحسین خان رهنما - شیخ محمد حسین بیچاره گنابادی - میرزا ابوالحسن خان فروغی (رئیس) - مرتضی نجم آبادی - حبیب‌الله ذوالفنون - دکتر محمود شیمی - اسمعیل مرآت - دکتر عیسی صدیق.

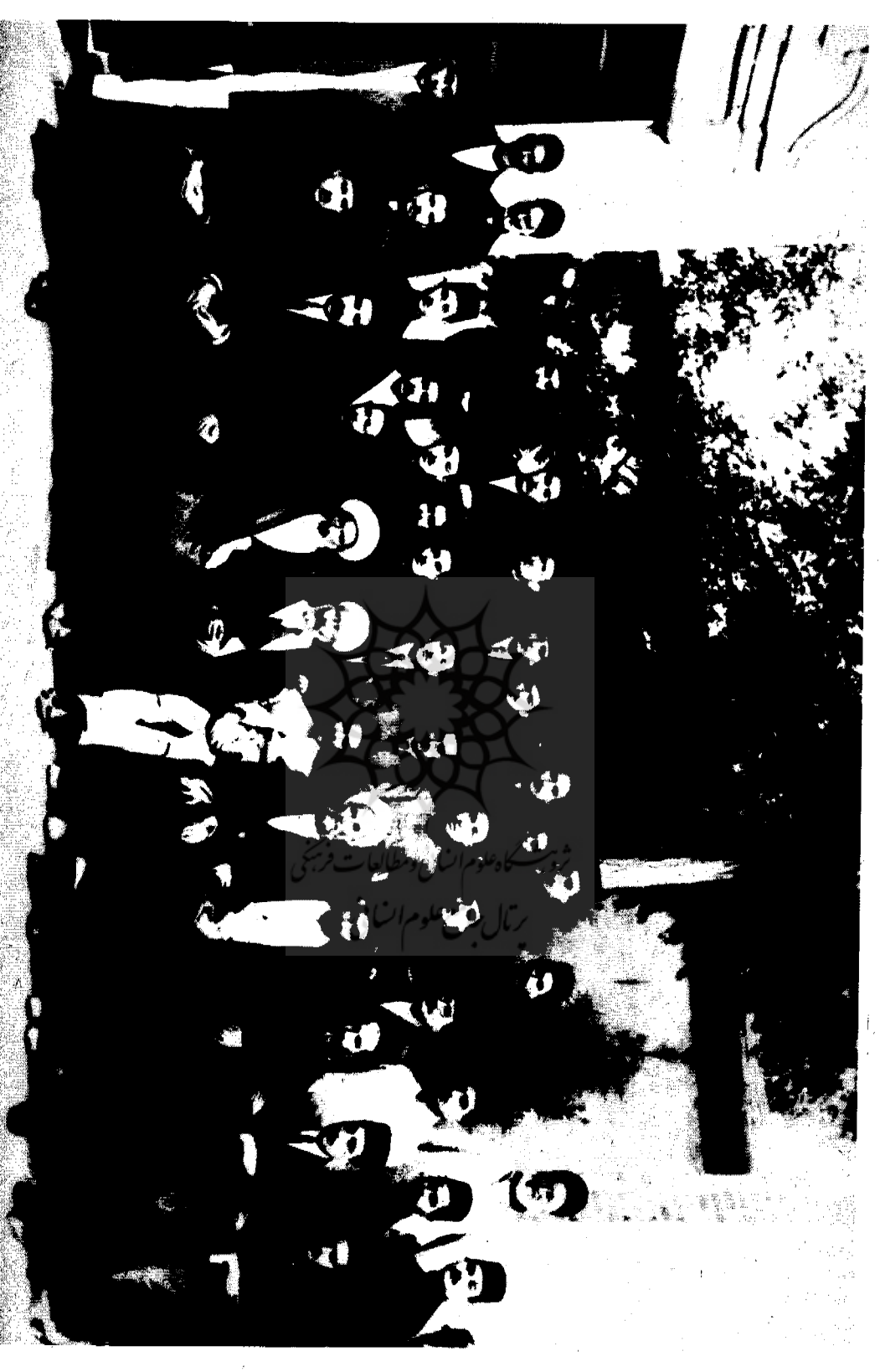
ردیف‌های بعد دیپلمه‌های دوره اول و دوم دارالمعلمین مرکزی: نگارنده در ردیف دوم ایستاده به موازات و بین مرتضی نجم آبادی و حبیب‌الله ذوالفنون می‌باشد (باعینک). از این عده تا این تاریخ (شهریور ۱۳۶۵) از دوره اول عبدالله معقول و سرلشکر علیرضا قریب و از دوره دوم نگارنده حیات دارد.

و شاید حاج میرزا ابوالقاسم اولیا و محمد حسین صدری و علی اکبر نجم آبادی معلم نقاشی ردیف دو ایستاده - ابوالفضل صدری نیم تنه، محمد حسین صدری (معروف به خان باباخان) - علی اکبر نجم آبادی - نصراله سرکارات - احمد نجم آبادی - محسن هنر بخش - علی رضا قریب - حسن فرزانه (ناظم مدرسه) و غلامعلی شیمی (بعداً دکتر...) - دکتر زین العابدین شیدر - سید علی عتاب - عبدالله معقول - عزت‌اله خبیری - دکتر حسین خسروخاور - حاج میرزا ابوالقاسم اولیائی - احتشام همایون (رئیس حسابداری) (نیم‌رخ) ردیف سوم - مشهدی غلامرضا دربان - ابوالفضل اعلامی - حسین هورفر (معروف به حسین جبری) - پسر مشهدی غلامرضا - دکتر سید فخرالدین شادمان ولوی - دکتر نصرت‌الله باستان - سید عبدالحمید نقیب‌زاده - مشایخ طباطبائی - دکتر محمود نجم آبادی - سید حسن علومی پسر مدیر محتشم (نوه دختری حاج سید محمد صراف یزدی پدر ابوالحسن علوی و پرتو علوی) - حسینعلی بهرامی - محمد قاسم بیک (فراش) - نائب‌علیخان (فراش).  
عکس مرحمتی دکتر محمود نجم آبادی است.

-۲-

## پیشخدمت‌های خاصه احمد شاه

۱- حکیم‌الملک. ۲- مشیر خاقان (رکن‌الملک برادر حکیم‌الملک). ۳- امیر سهام‌الدین غفاری شکاه‌الدوله. ۴- اکرم‌الملک دفتری. ۵- آغا محمد خان خواجه که تابلوی رنگ و روغن کمال‌الملک از چهره او در کاخ گلستان بود. ۶- میرزا محمدخان سردار. ۷- امجدالسلطنه. ۸- سرلشکر دکتر کریم هدایت. ۹- حسین عدل آصف‌الملک (برادر منصورالسلطنه). ۱۰- شاهزاده حسینقلی میرزا. ۱۱- مصطفی‌خان کاظمی (امین دفتر). ۱۲- میرزا محمودخان دبیرالسلطنه که بعد بیان‌السلطنه شد (برادر دکتر مهدی بیانی). عکس مرحمتی دکتر اصغر مهدوی است.



شهرستان گاه معلوم است و اطلاعات خبری  
رتال بن معلوم است



شوریه شکار علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
سال پایه علوم انسانی  
۸  
سید علی

فصل اول در بیان کلیات و مفاهیم پایه



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

الهیاری صالح

مربوط است به مقاله صفحات ۴۴۷ تا ۴۴۷





وكيل الرعايا همباني  
مربوط است بمقاله صفحات ۴۳۸ تا ۴۴۸



# خوابش یکی دید چون در گذشت صفا حکایت کن از سر گذشت



بچه زانکه نماند بستم زلف زلفش  
عجب نهش که کازد  
را که بخت آید هم  
فردا غم نه ای بزمی  
ازین بزم سر گذشت  
خوارستم ز هر یک نامدار  
کان که در غم نه ای بزمی  
ازین بزم سر گذشت  
سنداب زلف زلفش  
در رویک هم نه ای بزمی  
ازین بزم سر گذشت  
تو در روز و در شب



که بدوش زهر نامهربان

ببرم تین و برای هدایت

چو او چشم گو در زین بزم

بر بردم می دشت در غایت

بر برای محبت فرود آمد

ببرم از فرودش نه کایاب

(رخسان یافت تو گم) در آن

۱۳۲۱ع

در این خاک نم با در بر چای

مردان بخودش برده بود

چو او نام گشته ز یاد دگر

بیش نام تو گت که با خود

در سر بود و نهان نبود در غایت

بفرم چون که این با تو بر یاد

تاریخ زانده شد که در اول



میشکوه علوم و فنون  
پژوهشگاه بین‌المللی

# تاریخ جراید و مجلات ایران

تألیف محمد صدر هاشمی

تجدید چاپ. اصفهان. انتشارات کمال. ۱۳۶۴. وزیری. در چهار جلد. ۱۷۵۰ ریال.

می‌خوانم يك گوشه از نوشته خود را نادرست و بیجا می‌دانم و آن این است که آنجا نوشته بودم چرا صدر هاشمی در کتاب محل اداره روزنامه‌ها و بهای اعلانه‌ها و جزئیات دیگری را نقل کرده است. در آن موقع بسبب ناآگاهی و بسته بودن چشم آن‌گونه مطالب را بی‌فایده می‌دانستم ولی اکنون به‌روان مرحوم صدر هاشمی درود می‌فرستم که در کتاب خود آن— چنان مضامین و مطالب را نقل کرده است و ضبط جزئیات را هم ضروری دانسته است و حق با او بوده است.

افسوس که ناشر محترم برای این چهار جلد، فهرستهای لازم را تهیه ندیده و یا از طرف ورثه مجاز نبوده است که چنین کاری را بنماید و برارزش معنوی کتاب بیفزاید و مراجعه‌بدان را آسانتر سازد. من بنده آمادگی دارم که اگر کتاب به‌چاپ دیگری رسید در چنان کاری همکاری بنماید.



فرصت را برای تجلیل مقام مرحوم سید محمد صدر هاشمی و خدمات با ارزش او مقتنم دانسته عکس او را به‌چاپ می‌رسانیم تا پشاه گرامی او در خاطر دوستان تجدید شود.

بیگمان یکی از مراجع عمومی خوب و معتبر که در چهل سال اخیر در ایران انتشار یافت تاریخ جراید و مجلات ایران است. سال‌های دراز بود که این کتاب نایاب شده بود و شایستگی کامل آن را داشت که تجدید چاپ بشود، خوشبختانه مؤسسه انتشارات کمال (به مدیریت دوست دانشمند دکتر کمال‌موسوی در اصفهان) بانی این کار شد و اکنون آن کتاب کمیاب در دسترس علاقه‌مندان است.

این کتاب معرفی ۱۱۸۶ روزنامه و مجله و نشریه‌های را که تا سال ۱۳۲۵ در ایران (به‌زبانهای مختلف) و یا به زبان فارسی در خارج از ایران انتشار می‌یافته است دربر دارد. مؤلف قصد داشت که فهرستی هم از جراید و مجلات پس از شهریور گردآورده چاپ کند که اوضاع و احوال سیاسی چندان مساعدت نداشت و جزین مرگ دامن همت مؤلف را دردم نوردید. مرحوم صدر هاشمی از فضایی اصفهان و فرهنگ خواهان آن سامان بود و اغلب آنچه نوشته است محققانه و در خور خواندن و داشتن است. مقالات تحقیقی او بیشتر در مجله یادگار چاپ شده است.

صدر هاشمی هر روزنامه و مجله را براساس شماره‌هایی که از آنها دیده بوده معرفی کرده است و فهرستی اجمالی از مقالات یکی دو سه شماره آنها را نیز برای شناساندن بهتر آورده است.

موقعی که جلد سوم این کتاب در سال ۱۳۲۹ نشر شد شرحی درباره آن در مجله جهان نو نوشتیم و مرحوم صدر هاشمی عیناً در جلد چهارم آن را نقل و چاپ کرد. (با غلط چاپی افشاری به‌جای افشار). اینک که آن نوشته را در آغاز جلد چهارم